

# آستانه سوگ در آستان رضا(ع)

آیین اذن عزای ماه محرم هم‌زمان با حرم مطهر رضوی در خیابان‌های مشهد نیز برگزار شد



شهر

شهریار NEWS 13



عکس: سعید گلیا شهریار

**گزارش روز**

افسار یکی از شترها را به یک علم سبز گره زده‌اند. حیوان زیر آفتاب داغ عصرگاهی، بی‌حوصله سرش را تکان می‌دهد و زنگوله گردنش گاهی صدایی کوتاه در کوچه ذبیح... می‌پراکند. چند متر آن طرف‌تر اسب‌ها سم بر آسفالت می‌کوبند و میان جمعیتی که مدام بیشتر می‌شود، بی‌قرار جا به جا می‌شوند. خیابان شهیدکاشانی از همان ابتدای ورود رنگ‌وبوی دیگری دارد؛ بوی چای، عطر اسپند، پارچه‌های مشکی و صدای مردمی که برای مراسم اذن ورود به ماه محرم دور هم جمع شده‌اند.

روزنامه‌نگار  
قاسم قشیری

برای تماشای ویدئو این مراسم  
کد را اسکن کنید

## جمعیتی که لحظه به لحظه بیشتر می‌شود

هوا گرم است؛ گرمایی که از آسفالت بالا می‌زند و روی صورت آدم‌ها می‌نشیند. اما انگار کسی متوجه آن نیست. زن‌ها در بخش مخصوص خودشان جا گرفته‌اند و مردها پیاده‌روها، مقابل مغازه‌ها و بخشی از خیابان را پر کرده‌اند. جمعیت هر لحظه بیشتر می‌شود. از کوچه‌های اطراف آدم‌ها سر می‌رسند؛ بعضی خانوادگی، بعضی با دوستانشان و بعضی تنها. در میان این شلوغی، حضور حیوان‌ها بیش از هر چیز نگاه رهگذران را به خود جلب می‌کند. شش اسب، پنج شتر و چهار گاو در حاشیه مراسم ایستاده‌اند. بچه‌ها دورشان حلقه زده‌اند. بعضی می‌خواهند عکس بگیرند و بعضی با احتیاط دست روی گردن اسب‌ها می‌کشند. حیوان‌ها اما انگار بی‌تفاوت به هیجان جمعیت، سهم خود را از گرمای روز تحمل می‌کنند. آن سوی خیابان، علمدارها و علم‌کش‌ها کنار علم‌های بلندشان ایستاده‌اند؛ علم‌هایی که از دور شبیه درختانی فلزی‌اند؛ پوشیده از پارچه‌های سیاه و سبز. بعضی جوان‌ها زیر سایه باریک دیوارها ایستاده‌اند و بعضی دیگر دستشان را روی پایه علم گذاشته‌اند؛ انگار مراقب چیزی هستند که فقط یک وسیله نیست، بخشی از هویت هیئتشان است.

## روضه و آغاز سینه‌زنی

روضه شروع شده است. صدای مداح از بلندگوها بیرون می‌ریزد و روی سر جمعیت می‌نشیند. آدم‌ها آرام می‌شوند. بعضی سرشان را پایین می‌اندازند، بعضی زیر لب زمزمه می‌کنند و بعضی فقط گوش می‌دهند. صدای روضه میان صدای موتورهایی که گاهی از خیابان عبور می‌کنند و صدای حیوان‌ها گم نمی‌شود. برعکس، همه صداهای دیگر را در خود حل می‌کند. در میان جمعیت، کنار یکی از علم‌ها با جوانی هم‌صحن می‌شوم که دستش را دور پایه علم حلقه کرده است. عرق از پیشانی‌اش می‌چکد، اما انگار وزن علم را احساس نمی‌کند. می‌گوید چهار سال است همراه دوستانش شب اذن ورود به ماه محرم، علم هیئتشان را تا اینجا می‌آورد. می‌پرسم امسال هم مثل سال‌های قبل است؟ لبخندی می‌زند و سرش را تکان می‌دهد: «نه، امسال فرق می‌کند». نگاهش را به سمت جمعیت می‌چرخاند؛ به علم‌ها، به پرچم‌های مشکی و به مردمی که آرام‌آرام تمام خیابان را پر کرده‌اند. می‌گوید: «محرم همیشه ماه سیاه‌پوشیه، اما امسال حال و هوا فرق داره. امسال نمی‌خواستیم سیاهی محرم، سیاهی دل مردم باشه. دشمنامون سیاه‌بخت و سیاه‌دل برگشتن به سوراخاشون. فکر نمی‌کنم حالا حالاها بیرون بیان.» بعد دوباره نگاهش را به علم می‌دوزد. چند نفر از دوستانش صدایش می‌زنند و او میان جمعیت گم می‌شود.

## آغاز محرم بدون اذن ورود تصورشدنی نیست

روضه که تمام می‌شود، جمعیت تکانی به خودش می‌دهد. صدای سینه‌زنی بلند می‌شود. مردها شانه به شانه هم می‌ایستند. نوحه‌خوان ضرابهنگ را شروع می‌کند و دست‌ها با نظمی نانوخته بالا و پایین می‌روند. صدای سینه‌زنی در خیابان می‌پیچد و از دیوار مغازه‌ها برمی‌گردد. بعضی رهگذران که شاید فقط برای تماشا ایستاده بودند، حالا به جمع سینه‌زن‌ها اضافه شده‌اند. بخشی از فضا به بانوان اختصاص داده شده و اطراف آن محل تجمع مردهاست. اهالی می‌گویند برنامه‌های مذهبی اینجا محدود به محرم نیست و تقریباً هر هفته مراسمی برگزار می‌شود. یکی از مرد‌های میان سال که کنار مغازه ایستاده، می‌گوید سال‌هاست این مراسم برگزار می‌شود؛ آن قدر که حالا برای بسیاری از اهالی محل، آغاز محرم بدون این اجتماع تصورشدنی نیست. به گفته او، خیلی‌ها حتی اگر عضو هیئت‌های دیگر باشند، شب اذن ورود به محرم خودشان را به اینجا می‌رسانند. جمعیت حالا به اوج رسیده است. بچه‌ها روی جدول‌ها نشسته‌اند. بعضی روی شانه پدرهایشان جا خوش کرده‌اند تا بهتر ببینند. پیرمرد‌ها در سایه ایستاده‌اند و جوان‌ترها میان دسته‌ها رفت‌وآمد می‌کنند. از میان جمعیت صدای صلوات بلند می‌شود و چند ثانیه بعد خیابان را پر می‌کند. گرما همچنان پابرجاست. عرق روی پیشانی‌ها نشسته است، اما کم‌تر کسی به آن توجه می‌کند. انگار وقتی محرم از راه می‌رسد، ساعت و دما و خستگی اهمیت کمتری پیدا می‌کنند. مردم آمده‌اند تا در مراسمی شرکت کنند که برای بسیاری از آن‌ها فقط یک برنامه مذهبی نیست؛ نوعی قرار سالانه است؛ قرار دوباره دیدن دوستان قدیمی، هم‌هیئت‌ها و همسایه‌هایی که شاید ماه‌ها همدیگر را ندیده باشند.

## خیابان هنوز زنده است

صدای نوحه دوباره اوج می‌گیرد. علم‌ها آرام‌آرام به حرکت درمی‌آیند. پارچه‌های مشکی در باد کوتاهی تکان می‌خورند و نگاه‌ها به سمت علمدارها می‌چرخد. بعضی تلفن همراهشان را بالا گرفته‌اند تا لحظه را ثبت کنند. بعضی دیگر ترجیح می‌دهند فقط تماشا کنند. در میانه مراسم، ناگهان صدایی از میان جمعیت بلند می‌شود: «بفرمایید، ناهار آماده‌ست». بعضی به سمت محل توزیع غذا راه می‌افتند و بعضی منتظر می‌مانند تا نوحه تمام شود. بوی غذا کم‌کم در کوچه می‌پیچد؛ بویی که با عطر اسپند و چای مخلوط می‌شود. چند دقیقه بعد ظرف‌های غذا دست‌به‌دست میان مردم می‌چرخد. در اینجا عزاداری فقط صدای روضه و سینه‌زنی نیست. سفره‌ای هم هست که پهن می‌شود. غذایی که میان مردم تقسیم می‌شود. دستی که ظرفی را تعارف می‌کند و دستی دیگر که آن را می‌گیرد. بخشی از مراسم همین کنار هم نشستن‌هاست؛ همین چند دقیقه‌ای که آدم‌ها فارغ از سن و شغل و جایگاه اجتماعی، کنار هم غذا می‌خورند. خورشید کم‌کم از تندی خود می‌افتد، اما خیابان هنوز زنده است. صدای نوحه از بلندگوها شنیده می‌شود و مردم همچنان در رفت‌وآمدند. شترها و اسب‌ها هنوز در گوشه‌ای از خیابان ایستاده‌اند و علم‌ها همچنان بالای سر جمعیت دیده می‌شوند. مراسم اذن ورود به ماه محرم در خیابان شهیدکاشانی فقط اعلام آغاز یک ماه نیست. بیشتر شبیه لحظه‌ای است که یک محله، یک خیابان و چندین هیئت مختلف کنار هم جمع می‌شوند تا به استقبال روزهایی بروند که پیش‌رویشان است؛ روزهایی که از همین امشب آغاز می‌شوند؛ از همین خیابان، از همین علم‌ها، از همین صدای سینه‌زنی که در هوای گرم مشهد می‌پیچد و تا دوردست‌ها می‌رود.

## از هلال رمضان تا هلال محرم

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد جواد قاسم پور خودش را یکی از خادمان این مجموعه معرفی می‌کند، اما سال‌هاست که به همه جزئیات این آیین اشراف دارد. او از برنامه‌های سخن می‌گوید که بیش از دو دهه در همین نقطه شکل گرفته و به مرور به یکی از آیین‌های ثابت آغاز محرم در مشهد تبدیل شده است؛ آیینی که از آن با عنوان «کاروان اعلان محرم و اذن عزرا از حضرت رضا(ع)» یاد می‌شود. به گفته او، این حرکت از سال ۱۳۷۹ در همین حسینیه و با بانگری خانواده عمرانی آغاز شده است؛ جمعی از هیئتی‌ها که تصمیم گرفتند آغاز ماه محرم را فقط یک تغییر تقویمی نبینند، بلکه برای آن «اذن» و «اعلان» جمعی تعریف کنند. حجت‌الاسلام والمسلمین قاسم پور این سنت را ادامه یک فرهنگ قدیمی‌تر در ایران می‌داند؛ فرهنگی که در آن برای ورود به ماه رمضان نیز آیین‌های اعلام و استقبال وجود داشته است، اما در محرم پررنگ‌تر و عاطفی‌تر می‌شود.

او در ادامه به نقل قولی از مرحوم صفایی حائری اشاره می‌کند که می‌گفت: «من به دیدن هلال ماه محرم مشتاق‌ترم تا هلال ماه رمضان.» از نگاه او، این اشتیاق به آغاز محرم، فقط یک احساس فردی نیست، بلکه به نوعی به مفهوم عروج و تعالی روح انسان گره خورده است؛ روحی که در بیوند با ولایت معنا پیدا می‌کند و در این ایام به اوج توجه جمعی می‌رسد.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاسم پور تأکید می‌کند که در مشهد این سنت به درستی پایه‌گذاری شده است؛ سنتی که در آن پیش از آغاز عزاداری، نوعی اجازه و اذن معنوی از حضرت رضا(ع) به عنوان «صاحب‌عزا» طلب می‌شود و مجاوران حضرت خود را در مقام پذیرندگان این اذن می‌بینند. به همین دلیل، شب اول محرم، همان شبی که کاروان در حال ورود به ماه عزاست، زمان اصلی برگزاری این آیین است. او توضیح می‌دهد که این مراسم در طول سال‌ها شکل گسترده‌تری به خود گرفته است. در کنار حضور خطبا، مداحان و ذاکران اهل بیت(ع)، علم‌داران و علم‌کش‌ها نیز به این جمع اضافه شده‌اند؛ هر علم و کتل نماینده یک هیئت است که به نیابت از جمع خود در این آیین حاضر می‌شود. به تدریج، این حرکت از یک مراسم صرفاً آیینی به شکلی شبیه تعزیه و کاروان‌های ورودی به کربلا تبدیل شده است؛ کاروانی که در آن شترها و اسب‌ها نیز به عنوان نمادهای روایی حضور دارند. این کاروان معمولاً ساعات پیش از غروب از همین حوالی حرکت می‌کند و برنامه‌ریزی به‌گونه‌ای است که در زمان غروب به حرم امام رضا(ع) برسد. در آنجا نماز به جا آورده می‌شود، ذکر مصیبت و سینه‌زنی کوتاهی انجام می‌گیرد و سپس کاروان به نقطه آغاز بازمی‌گردد. در طول مسیر نیز مردم عادی، هیئت‌ها و گروه‌های مختلف عزاداری به این جمع می‌پیوندند.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاسم پور تأکید می‌کند که این آیین به یک گروه خاص محدود نیست. به گفته او، «حسین(ع) متعلق به همه است» و نگاه به این شخصیت، فراتر از مرزبندی‌های اجتماعی، سیاسی یا حتی مذهبی قرار می‌گیرد. او این حضور متنوع را به حضور یاران امام حسین(ع) در کربلا تشبیه می‌کند؛ جایی که افراد از طبقات و پیشه‌های مختلف در کنار هم قرار گرفتند. در همین فضا، او به تنوع حاضران در مراسم اشاره می‌کند؛ از هنرمندان و دانشگاهیان گرفته تا کسبه و جوانان هیئتی، همه در کنار هم در این آیین حضور دارند.

به باور حجت‌الاسلام والمسلمین قاسم پور، همین تنوع اجتماعی، یکی از ویژگی‌های مهم این مراسم است؛ نشانه‌ای از ظرفیتی که عزاداری برای امام حسین(ع) در ایجاد هم‌پیوستگی میان گروه‌های مختلف جامعه دارد.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاسم پور در پایان تأکید می‌کند که این اجتماع فقط یک مراسم آیینی نیست، بلکه نوعی تجربه جمعی از هم‌بستگی است؛ تجربه‌ای که در آن افراد با هر سلیقه و پیشینه‌ای در یک نقطه مشترک به هم می‌رسند. از نگاه او، اگر جامعه امروز به چیزی نیاز داشته باشد، آن «وحدت» است و این آیین‌ها، یکی از بسترهای مهم شکل‌گیری همین وحدت اجتماعی هستند؛ وحدتی که در تاریخ تشیع همواره حول محور نام امام حسین(ع) شکل گرفته است.

